

# اسرار اسرار



## نشریه نخبگانی جنگ رمضان

ویژه نامه «فقاہت دینی»

۱۴۰۵/۲/۲۳



## مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا

امام حضرت آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای حفظه الله: از جمله هنرهای رهبر شهید و سلف کبیر ایشان، وارد کردن مردم در همه‌ی عرصه‌ها و بصیرت و آگاهی دادن مستمر به ایشان، و در مقام عمل تکیه بر نیروی آنان بود.

صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علامه طباطبائی رحمة الله عليه

نویسندگان: حجج اسلام علیرضا عباسی- ابراهیم علیزاده- رضا صمدی فر- امین عظیمی- مرتضا کربلایی لو- مهدی ندائی- محمود رفیعی- محمد علی افزلی- محمد جواد اکبری- سعید فلاح- مصطفی کشاورز- علی علامه کیان- رضا لک علی‌آبادی

- ۵ قرآن کریم؛ عالی‌ترین منبع شناخت نظام الاهیات مقاومت
- ۶ اقسام «مقاومت» از نگاه قرآن کریم با تأکید بر قصص الأنبیاء
- ۸ آسیب‌شناسی مقاومت در آینه قصص قرآنی؛ چرا قوم پیروز، در بیابان سرگردان شد؟
- ۱۰ پاسخ قرآنی به یک سؤال رایج: «مقاومت تا کجا؟»
- ۱۲ ساختار مقاوم تمدن اسلامی
- ۱۴ مقاومت مجرای تحقق پاداش‌های سه‌گانه‌ی الهی
- ۱۵ درآمدی کوتاه به چیستی فقه مقاومت
- ۱۶ نقش راهبردی دانش فقه در آستانه تشکیل نظم نوین جهانی
- ۱۸ نقش بانوان در تجمعات مردمی و فرصت تقویت فرهنگ حجاب
- ۱۹ تبیین دلیل عقلی مقاومت
- ۲۱ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و هشت ساحت جهاد بزرگ
- ۲۳ مبانی رابطه «جمهوری اسلامی» و «جبهه مقاومت» در اولین پیام امام سیدمجتبی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی
- ۲۵ اقسام رابطه «جمهوری اسلامی» و «جبهه مقاومت» در اولین پیام امام سیدمجتبی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی

با کلیک بر روی هر عنوان به صفحه مورد نظر منتقل خواهید شد.



## مقدمه

تاریخ درگذر خود، مقاطعی سرنوشت ساز و ممتاز را تجربه می‌کند؛ مقاطعی که تنها با نگاهی بلندمدت، کل نگر و تمدنی می‌توان ابعاد حقیقی آن‌ها را فهم و تحلیل کرد. هرپیچ تاریخی، مختصات ویژه‌ای دارد که آن را از دیگر برهه‌ها متمایز می‌سازد اما آنچه در روزگار ما در حال وقوع است صرفاً یک تحول سیاسی یا جابه‌جایی قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی نیست، بلکه نشانه‌ای از یک دگرگونی عمیق در مناسبات تاریخی، فرهنگی، تمدنی و سیاسی است. تحولی که تبیین آن با اتکاء به تحلیل‌های صرفاً مادی، قرائت‌های اومانستی و الگوهای رایج علوم انسانی سکولار، ناکافی و ناتمام خواهد بود. در متن این شرایط، آنچه پیش روی جهانیان قرار گرفته، جلوه‌ای از تقابل بنیادین میان جبهه حق و جبهه باطل است؛ تقابلی که اگرچه در ظاهر، توازن متعارف قدرت میان طرفین در آن مشاهده نمی‌شود، اما اراده، ایمان، مقاومت و سنت‌های الهی، معادلات ظاهری را دگرگون ساخته است. آنچه در این میدان رقم خورده، صرفاً یک ایستادگی نظامی یا سیاسی نیست، بلکه نمایانگر پیروزی گفتمان ایمان، مقاومت و حق‌طلبی در برابر منظومه سلطه، استکبار و کفر جهانی است؛ پیروزی‌ای که حتی در نگاه بسیاری از آزادگان و ناظران مستقل جهان نیز به مثابه نشانه‌ای روشن از شکست ناپذیری جبهه حق و تصدیقی بر وعده‌های الهی در نصرت مؤمنان تلقی می‌شود. این واقعیت تاریخی، از منظر انقلاب اسلامی، تنها یک رخداد مقطعی نیست، بلکه حلقه‌ای از یک مسیر ممتد و معنادار است؛ مسیری که با خون پاک ولی خدا و مجاهدت و بعثت شگفت آور مؤمنان آغاز شده، با هدایت فقه پویای شیعه تداوم

یافته و در افق خود، تحقق تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع عدالت جهانی را دنبال می‌کند. در این چارچوب، مقاومت صرفاً یک راهبرد سیاسی نیست، بلکه یک منطق تمدنی، یک سنت الهی و یک ضرورت تاریخی برای عبور از نظم سلطه و حرکت به سوی آینده‌ای مبتنی بر عدالت، کرامت انسانی و حاکمیت ارزش‌های الهی است.

بر همین اساس، فهم این پیروزی تاریخی و ترسیم نسبت آن با آینده جهان، نیازمند رجوعی عمیق به منظومه معارف اسلامی، آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام است. نقشه راه این حرکت بزرگ را نمی‌توان تنها در عرصه محاسبات مرسوم سیاسی جست‌وجو کرد؛ بلکه باید آن را در پیوند میان عقلانیت دینی، تجربه تاریخی جبهه حق و افق تمدنی انقلاب اسلامی بازخوانی نمود. این بازخوانی، به‌ویژه برای نسل حوزوی و دانشگاهی و اصحاب اندیشه، ضرورتی دوچندان دارد؛ چراکه تبیین علمی، دقیق و روزآمد این مسیر، یکی از مهم‌ترین وظایف نخبگانی در شرایط کنونی به شمار می‌آید.

«نشریه نخبگانی جنگ رمضان»، در راستای رسالت نخبگانی خود و جهاد تبیین، از ابتدای جنگ تحمیلی سوم توسط بسیج اساتید دانشگاه علامه طباطبائی رحمه الله، شکل گرفت و تا کنون ۱۱ شماره پیاپی و ۵ ویژه نامه را منتشر کرده است. ویژه نامه «فقه اهل بیت دینی» به همت «مؤسسه فقهی الإمام علی بن موسی الرضا علیهما السلام - قم» بدست آمده است. آنچه پیش روی شماست، تلاشی است برای تأمل در بخشی از این راهبرد کلان در ساحت‌های مختلف فکری، اجتماعی و تمدنی. این مجموعه می‌کوشد با نگاهی تحلیلی و الهام‌گرفته از معارف قرآن و اهل بیت صلوات که همان معارف اصیل انقلاب الله علیهم اجمعین



اسلامی است، روزه‌ای به فهم عمیق‌تر این پیروزی تاریخی بگشاید و آن را به تشنگان عدالت، حقیقت‌جویان و رهروان مسیر حق عرضه کند. بی‌تردید، این مباحث نه ادعای احاطه بر تمامی ابعاد این دریای بیکران را دارد و نه خود را بی‌نیاز از تکمیل و تعمیق می‌داند؛ بلکه صرفاً گامی ابتدایی در مسیر تبیین منظومه‌ای است که هرچه بیشتر باید با مجاهدت علمی، گفت‌وگوی نخبگانی و تعمیق معرفتی، روشن‌تر، مستدل‌تر و کارآمدتر در اختیار حق‌جویان عالم قرار گیرد. امید آن است که این تلاش، بتواند سهمی هرچند اندک در تبیین حقیقت این مقطع تاریخی ایفا کند و در مسیر گسترش فهمی عمیق‌تر از نسبت میان مقاومت، انقلاب اسلامی و افق تمدنی آینده مؤثر واقع شود.





## قرآن کریم؛ عالی‌ترین منبع شناخت نظام الهیات مقاومت

**حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا عباسی** - استاد حوزه علمیه قم

۳. اکتفا نکردن به ذکر حادثه تاریخی و بیان قاعده کلی در ضمن بیان آن حادثه در قرآن کریم و در نتیجه امکان جریان‌شناسی قرآنی، تطبیق آن حادثه تاریخی بر شرایط مشابه و شناخت وظیفه در آن شرایط.

۴. بیان مطالب عالی در عین خالی بودن از پیچیدگی و عامه‌فهم بودن بسیاری از آیاتی که در این زمینه هستند.

با دقت در آیات قرآن کریم مشخص می‌شود که خداوند متعال جهاد را به صورت نظام‌مند و در ضمن ساختاری کلی مطرح کرده است و درک مناسب از جهاد و مسائل جانبی آن وابسته به درک این نظام است. مؤلفه‌های کلی این نظام را به صورت خلاصه می‌توان چنین بیان کرد:

**الف) ضرورت تشکیل حکومت اسلامی.**

**ب) جریان‌های مرتبط با حکومت اسلامی.**

**ج) نشانه‌های جریان‌های مرتبط با حکومت اسلامی.**

**د) وظیفه در مقابل این جریان‌ها.**

**ه) حاکم جامعه اسلامی.**

چنان‌که گفته شد منبع این ساختار آیات قرآن کریم بوده؛ برای تمامی مذاهب مسلمان قابل پذیرش است. در نتیجه می‌توان این نظام را نظام الهیات مقاومت خواند و با تکیه بر آیات قرآن کریم وظیفه مسلمانان را قبال حوادث کنونی از نظر قرآن کریم مشخص نمود.

جهاد و مقاومت یکی از مهم‌ترین آموزه‌های الهی است. گرچه مراجعه به تاریخ این اهمیت را به انسان نشان می‌دهد، ولی راه ساده‌تر درک این مطلب توجه به شرایط کنونی دنیاست. توجه به حوادثی که در طی کمتر از یک سال گذشته برای ایران اسلامی اتفاق افتاده و حوادث دیگری مانند جنگ اوکراین که زمان زیادی از آن نمی‌گذرد، انسان را به این نتیجه خواهد رساند که تنها راه، مقاومت در مقابل زورگویان است. در عین حال نظرات دیگری مانند لزوم صلح با زورگو برای در امان ماندن از شر آن نیز مطرح است. وجود نظرات متفاوت در این زمینه لزوم پرداختن به آموزه جهاد و مسائل جانبی را مشخص می‌کند. در این مورد باید به بسیاری از سؤالات مرتبط مانند این سؤال که «تا کی باید جهاد را ادامه داد و سختی‌های آن را تحمل کرد؟»، «چرا باید هزینه جهاد را به جان خرید؟»، «آیا می‌توان با دشمن مذاکره کرد یا خیر؟»، «در صورت نقض عهد دشمن باید چه کرد؟» و... نیز پاسخ گفت تا این آموزه و جوانب آن به درستی مشخص شود. برای نیل به این هدف می‌توان از منابعی مانند روایات و تاریخ کمک گرفت، ولی استفاده از قرآن از چند جهت بر این منابع و دیگر منابع ترجیح دارد:

۱. عدم نیاز به بررسی سندی نسبت به آیات قرآن کریم و در نتیجه مورد پذیرش بودن آیات برای تمامی علما، چه شیعه و چه سنی.

۲. بیان مطالب تاریخی در قرآن کریم و در نتیجه امکان استفاده مطالب تاریخی از این کتاب شریف بدون تشکیک در سند آن واقعه تاریخی.



## اقسام «مقاومت» از نگاه قرآن کریم با تأکید بر قصص الأنبياء

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم علیزاده - پژوهشگر

### ۳. مقاومت در برابر مفسد فرهنگی؛

هرچند در زندگی حضرت ابراهیم مقاومت در برابر حاکمان ظالمی مثل نمرود از اهمیت بالای برخوردار است ولی با توجه به آیات قرآنی یکی از اصلی‌ترین خصوصیات ایشان بی‌تفاوت نبودن به مسائل فرهنگی و مقاومت در برابر خرافه‌پرستی‌هایی مانند پرستش بت، ماه، خورشید و ... بوده است.

### ۴. مقاومت در برابر مفسد اقتصادی؛

داستان زندگی حضرت شعیب که در سوره‌های مختلف به آن اشاره شده، با محوریت مقاومت در برابر مفسد اقتصادی بیان شده است.

### ۵. مقاومت در برابر تهدیدات نظامی خارجی؛

داستان درگیری نظامی بین لشکر حضرت طالوت با لشکر جالوت الگوها و عبرت‌های متعددی برای زندگی بشریت دارد. طالوت به ظاهر از امکانات مادی کمتری برخوردار بود ولی امکانات جالوت در حدی بود که بخشی از لشکر طالوت سستی کردند ولی آن بخش دیگر با درخواست صبر و مقاومت از خداوند در مقابل جالوت ایستادند و با شکست لشکر جالوت از برکات حاصل از این مقاومت برخوردار شدند.

### ۶. مقاومت در برابر مفسد اخلاقی؛

حضرت لوط هدایت قومی را بر عهده داشت که مبتلا به مفسد اخلاقی بودند. با توجه به هم‌عصری ایشان با حضرت ابراهیم و نوع مبارزات حضرت ابراهیم با حاکمان ظلم و

با تأمل در مفاهیم قرآنی مشخص می‌شود که تاریخ زندگی پیامبران الهی متکی بر مفهوم مقاومت تبیین شده است و متناسب با شرایط و اقتضائات دوران زندگی هر پیامبر، نوع مقاومت آن‌ها از جهت بروز و ظهور تفاوت‌هایی داشته است. در ادامه به تبیین اقسام مقاومت از نگاه قصص قرآنی انبیاء علی نبینا و آله و علیهم السلام خواهیم پرداخت:

### ۱. مقاومت در برابر حاکمان ظالم؛

بسیاری از آیات قرآن کریم در رابطه با داستان زندگی حضرت موسی است که با محوریت مبارزه ایشان با فرعونیان بیان شده است. گویا این جهت از مقاومت برای زندگی بشر اهمیت زیادی دارد که قرآن کریم در موارد متعدد به آن اشاره کرده تا نشان دهد اصلی‌ترین مبارزه و مقاومت در جبهه‌های حق و باطل، مقاومت کردن در مقابل حاکمان ستمکار است.

### ۲. مقاومت در برابر شرک؛

محور اصلی تمام مبارزات و مقاومت‌های پیامبران برای مقابله با شرک و خدامحور کردن جامعه بوده است. با تأمل در آیات قرآن، زندگی برخی پیامبران با تمرکز مستقیم بر بحث توحید و مبارزه با شرک تحلیل شده است. پیامبرانی مثل حضرت نوح و صالح که بارها با گوش‌زد کردن نعمت‌های الهی به دشمنان خود و بیان آثار مادی خداپرستی در جامعه، آن‌ها را از شرک برحذر داشته و به خداپرستی دعوت کرده‌اند.



مفاسد اخلاقی می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر جوامع انسانی تحت سلطه حاکمان ظالم قرار گرفته باشد زمینه و علل شیوع مفاسد فرهنگی و به تبع آن مفاسد اخلاقی فراهم شده و این مفاسد گریبان‌گیر افراد جامعه خواهد شد. چیزی که جهان امروز بارها آن را به نظاره نشسته است.

## ۷. مقاومت برای تشکیل حکومت توحیدی:

تمام فراز و نشیب‌های زندگی پیامبران با این هدف بوده که کلمه لا اله الا الله در زندگی انسان‌ها پیاده شود. اگر ابراهیم با خرافه پرستی مواجه بود یا لوط با مفاسد اخلاقی مبارزه می‌کرد و اگر قوم صالح و نوح در برابر دعوت آنها مقاومت می‌کردند همه به خاطر این بودن که اشخاص ظالم و مشرک بر نهاد حکومت و قدرت قرار داشتند و در نتیجه ساختار و سیستم جامعه را طوری پیش می‌بردند که مفاسد مختلف در آن جریان داشته باشد و در نهایت درگیری بین او جبهه حق و باطل ایجاد می‌شد. بنابراین؛ تمام تلاش‌های پیامبران در این جهت بوده که مردم و جامعه را بری برپایی حکومت توحیدی آماده کنند که در نهایت این هدف مقدس با مقاومت پیامبر اسلام عملیاتی شد.





## آسیب‌شناسی مقاومت در آینه قصص قرآنی؛ چرا قوم پیروز، در بیابان سرگردان شد؟

### حجت‌الاسلام والمسلمین رضا صمدی فر- استاد حوزه علمیه قم

از آمدن تو و پس از آن، مدام آزار دیدیم. این تفکر، نشان‌دهنده خامی جامعه‌ای است که انتظار دارد بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای و صرفاً با معجزات آسمانی، به رفاه و پیروزی مطلق دست یابد.

### ۳. مسئولیت‌گریزی در بزنگاه عمل

سومین و خطرناک‌ترین آفت، واگذاری میدان و تماشاچی بودن است. اوج این فاجعه در دروازه‌های ارض موعود رخ داد؛ جایی که قوم باید برای فتح نهایی وارد عمل می‌شد، اما با وقاحت تمام به رهبرشان گفتند: «فَاذْهَبِ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (مائده/۲۴)؛ تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین‌جا نشسته‌ایم! این روحیه، نماد توقف جامعه در مرزهای شعار و امتناع از اقدام عملی در لحظات سرنوشت‌ساز است.

### ۴. ارتجاع و تقلیل آرمان‌ها به روزمرگی

چهارمین آفت، خستگی از آرمان‌های بزرگ و دلتنگی برای حقارت گذشته به بهانه معیشت است. قومی که معجزه شکافته شدن دریا را دید و طعم رهایی از بردگی را چشید، در بیابان بهانه‌جویی کرد و دلتنگ سیر، پیاز و عدس دوران بردگی در مصر شد! قرآن بالحنی توبیخی می‌پرسد: «أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ» (بقره/۶۱)؛ آیا پست‌تر را جایگزین بهتر می‌کنید؟ تن دادن به ذلت به امید تأمین رفاه حداقلی، موریانه‌ای است که اراده مقاومت را نابود می‌کند.

### نتیجه‌گیری

سنت الهی بر نابودی فرعون‌ها استوار است،

داستان تقابل حضرت موسی (ع) و فرعون در قرآن کریم، صرفاً روایتی تاریخی یا اسطوره‌ای باستانی نیست؛ بلکه دقیق‌ترین و جامع‌ترین سند «جامعه‌شناختی» برای شناخت آفت‌های درونی یک نهضت است. قرآن نشان می‌دهد که چگونه یک جامعه می‌تواند از سد بزرگ‌ترین ابرقدرت زمان (فرعون) عبور کند، اما به دلیل ضعف‌های درونی، چهل سال در بیابان سرگردانی زمین‌گیر شود. بررسی این قصه قرآنی، چهار آسیب مهلك را در مسیر هر جریان مقاومتی گوشزد می‌کند:

### ۱. مرعوب شدن در برابر هیمنه دشمن و از دست دادن امید

نخستین آفت، بزرگ‌نمایی قدرت دشمن و نادیده گرفتن قدرت خداست. هنگامی که بنی‌اسرائیل با لشکر تا بن دندان مسلح فرعون روبرو شدند و دریا را پیش روی خود دیدند، فریاد ناامیدی سر دادند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» (شعراء/۶۱)؛ ما قطعاً گرفتار شدیم! این ترس فلج‌کننده، آفت هر مقاومتی است. در مقابل، رهبر الهی با قاطعیت این خطای شناختی را اصلاح می‌کند: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ هرگز! پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد.

### ۲. عافیت‌طلبی و توقع پیروزی بی هزینه

دومین آسیب، بی‌تابی جامعه در برابر فشارهای دوران گذار و نگاه شرطی به مقاومت است. بنی‌اسرائیل با تشدید فشارها، به جای استقامت، زبان به شکوه گشودند و به رهبر خود گفتند: «قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا» (اعراف/۱۲۹)؛ پیش



اما قرآن به روشنی می‌آموزد که برای رسیدن به ساحل نجات، پیش از عصای موسی (ع)، به امتی نیاز است که دچار ترس، عافیت‌طلبی، مسئولیت‌گریزی و ارتجاع نباشد. مقاومت، پیش از آنکه نیازمند غلبه بر دشمن بیرونی باشد، محتاج پیروزی بر ضعف‌های درونی خویش است.





## پاسخ قرآنی به یک سؤال رایج: «مقاومت تا کجا؟»

### حجت الاسلام والمسلمین امین عظیمی - پژوهشگر

از خود همچون جالوت رو به رو بود. قرآن در مورد درگیری سپاه طالوت با جالوت تصویری حیرت‌انگیز از مقاومت به نمایش می‌گذارد. خداوند برای اینکه قدرت مقاومت را به تمامی بشریت بیاموزد سپاه طالوت را با آزمایشی عجیب مواجه کرد تا ریزش زیادی در سپاه رخ دهد و سرسخت‌ترین افراد در سپاه بمانند که یکی از آنها حضرت داوود بود. سپاه حق بر اساس امر جناب طالوت ملزم شدند که با وجود تشنگی، آب ننوشند و به راه خود برای جنگ با جالوت ادامه دهد. «مقاومت خودخواسته در برابر تشنگی» از نظر نظامی عرفی ضروری نیست و حتی با نگاهی سطحی می‌تواند مضر هم باشد اما لشکریان مخلص طالوت با تبعیت از رهبری الهی، از پرودگار طلب مقاومت کردند و گفتند: «و هنگامی که در برابر (جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانۀ شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!» (بقره/۲۵۰) سرانجام آن مقاومت نیز با نصرت الهی همراه بود و سنگ داوودی را بر پیشانی جالوت نشانند و مرگ وی سپاهش از هم پاشید.

### مقاومت در محدوده شرع و اخلاق اسلامی

آخرین آیه از سوره سوره فتح مبین بُعد دیگری از محدوده مقاومت است. در این سوره خداوند بعد از اینکه پیامبر «صلی الله علیه و آله» و یاران ایشان را به «سرسختی و مقاومت در برابر کفار» توصیف می‌کند، رفتار مقاوم آنان را در محدوده شریعت و اعمال عبادی و اخلاق اسلامی (همچون مهربانی با یکدیگر) معرفی می‌کند: «فرستاده خدا و کسانی که با او هستند

مقاومت یکی از اصول مسلم اسلامی است اما در مورد حدّ این مقاومت و این که نقطه‌ی پایانی مقاومت و درگیری کجاست؟ می‌توان و باید به قرآن کریم مراجعه کرد و این کتاب آسمانی پاسخ درخوری به این سوال دارد که به بخشی از آن اجمالاً اشاره خواهیم کرد.

### مقاومت در محدوده فراعرفی

مقاومتی که توسط انسان عادی در برابر مظالم انجام می‌شود تا سر حدی است که از نظر عرفی راهی برای خروج وجود داشته باشد اما قرآن کریم مقاومت الهی را مقاومتی فراعرفی ترسیم می‌کند. به عنوان نمونه قوم بنی اسرائیل در مبارزه‌اش با فرعون به جایی می‌رسد که از یک طرف تیغ تیز فرعون را می‌بیند و از طرف دیگر غرق شدن در آب دریا نیل، روبه رویشان هست. اینجاست که مقاومت عرفی به تزلزل می‌افتد اما حضرت موسی علیه السلام در همین حال وعده نصرت الهی را می‌دهد. (ر.آ: الشعراء: ۶۱-۶۲)»

این نکته بدان معنا نیست که مقاومت اسلامی مقاومتی غیرعقلانه است بلکه به این معناست که جامعه مؤمن تمام توان خود را برای مقاومت به کار می‌گیرد و معادلات معنوی و غیبی را نیز بخشی از نظام محاسباتی خود می‌داند و بر اساس آن مقاومتی فراتر از حدّ عرف رایج از خود نشان می‌دهد.

### مقاومت در محدوده تبعیت از رهبری الهی

ملت ضعیف بنی اسرائیل با نصرت الهی از اولین دشمن خود عبور کرد و به تدریج قدرتمندتر شد اما هنوز با دشمنان قوی‌تر



در برابر کافران، سرسخت و میان خودشان [با همدیگر] مهربان اند، آنان را رکوع کنان و سجده کنان می‌بینی در حالی که بخشش و رضایتی از خدا را می‌جویند، نشانه‌های آنها بر اثر سجده در چهره‌هایشان [نمایان] است و این چنین است وصف آنها در تورات، و [اما] وصفشان در انجیل همانند کشته‌ای است که جوانه اش را برآورده و آن را تقویت نموده و ستر گردیده، آنگاه بر ساقه اش راست ایستاده به طوری که کشاورزان را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد، [خدا این گونه مؤمنان را استوار ساخته است] تا به وسیله آنها کافران را به خشم آورد. خدا کسانی از آنان را که ایمان آورده و عمل‌های شایسته نمودند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است»

بر اساس نکات پیش‌گفته و با نگاهی کلان می‌توان گفت حدّ مقاومت اسلامی اولاً فراعرفی بوده و در تعیین نقطه‌ی پایانی درگیری می‌بایست معادلات معنوی و فرامادی نیز لحاظ شود ثانیاً محدوده به اوامر رهبری الهی و ثالثاً محدود به شرع و اخلاق اسلامی است.





## ساختار مقاوم تمدن اسلامی

### حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضاکربلایی‌لو - پژوهشگر

که بیش از آنچه از شما انتظار می‌رود، صبر بورزید. تمدن اسلامی بیش از آنکه به صبر نیازمند باشد به مصابره نیازمند است والا مأموریت‌های بزرگ و خطیر که به شکل فردی تحقق‌یافتنی نیست، به سرانجام نمی‌رسند. پیش‌فرض این توصیه این است که روند زندگی را نقاط خوشایند و شاد تشکیل نمی‌دهند. در واقعیت این جهانی، شادی و خوشی فقط می‌توانند به شکل نقاط و لحظات، تجربه شوند. به زبان امروزی، اگر زندگی را بر لحظات «دوپامین‌دار» بسازیم، هرگز یک خط متصل (= صراط مستقیم) شکل نخواهد گرفت. این جا بهشت نیست که در آن «آنچه جان‌ها بخواهند و دیدگان را خوش آید» (زخرف: ۷۱) باشد. در این جا، دشواری‌ها هست و لحظات خوش و شاد، کوتاه‌مدت و گسسته از هم‌اند. آنچه لحظات زندگی را به هم پیوند می‌دهد تا خطی متصل و رساننده به هدف تشکیل دهد، صبر است. این نکته چنان راهبردی است که قرآن در توقعی که از انسان درباره‌ی صبر دارد، گرایش به مبالغه دارد یعنی صابر بودن (گاهی صبر کردن) کافی نیست. باید صبر به درجات بعدی ارتقا بیابد: «صابر» باید بکوشد «صبور» (همیشه صابر) شود و «صبور» باید بکوشد «صَبَّار» (بیش از اندازه صبور) شود. این سیر تشدید صبر، عامل اتصال‌دهنده‌ی صراط مستقیم است و فقط با «مصابره» یعنی «هم‌افزایی در صبر» میسر می‌شود. این آن روندی است که در درون تمدن باید بگذرد.

### وامان نسبت به بیرون تمدن؛ مرابطه

مرباطه به معنای افساربندی و به صف کردن اسب‌ها در مرزهاست برای دفاع از تمدن

### «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا»

آیه‌ی آخر سوره‌ی آل‌عمران یک توصیه‌ی موجز دارد که ساختار کلی جامعه در تمدن اسلامی را ترسیم می‌کند: توصیه به «صبر، مصابره و مرابطه». گفته شده است از آن جا که در این سوره، به عنوان دومین سوره‌ی طولانی قرآن، احکام و شرایع مفصلی بیان شده است، برای نگاهداشت این مجموعه‌ی ارزشمند، نیاز به تاب‌آوری بالا هست و این تاب‌آوری فقط با «صبر» فراهم نمی‌آید بلکه نیاز به افزونه‌هایی هست که عبارت است از «مصابره» و «مرباطه». منظور از مصابره و مرابطه در این آیه‌ی مهم چیست؟

### مصابره

از آن جا که مصابره از باب مفاعله است، باید از قرار، معنایی افزون بر «صبر» داشته باشد. علامه طباطبائی در **المیزان** بر آن است که صبر به معنای شکیبایی فردی است ولی مصابره به معنای مشارکت جمعی در صبر است، یعنی صبر یک فرد تکیه بدهد بر صبر فرد دیگر. برای توضیح چنین می‌توان گفت که طاقت افراد در مقابل شدائد یکسان نیست. بلکه افراد در شکیبایی‌ورزیدن، ظرفیت‌های محدودی دارند. یک نانو صبر بیشتری از یک کارگر شیلات برگرما دارد چون شغلش ایجاب می‌کند مقابل تنور بایستد و شغل کارگر شیلات ایجاب می‌کند در سردخانه سر کند. وقتی به این دو فرد توصیه شود «صبر کنید» یعنی هرکدام به اندازه‌ی طاقت خودتان شکیبایی بورزید، اما اگر توصیه شود «مصابره کنید» یعنی کم‌صبری خودتان را با صبر افزونی که از فرد دیگر می‌بینید کوک کنید طوری



اسلامی. توصیه به مرابطه یعنی اینکه اگر یک بیگانه خواست به سمت قلمرو تمدن اسلامی نزدیک شود چنان نباشد که ابتدا وارد یک منطقه‌ی برزخی، نه اسلام نه کفر، شود و سپس کم‌کم، رنگ و لعاب ایمانی و اسلامی ببیند. بلکه باید مرزها قاطع باشند و مسافر با دیدن صف «عادیات» و «موریات» و «مغیرات» (سه جور وصف اسب تازنده در قرآن) بفهمد که از فلان نقطه دیگر وارد قلمرو اسلام شده است. به عبارت دیگر، تمدن اسلامی یک فشردگی فرهنگی دارد و فشار فضای مومنانه باید برای فرد تازه‌وارد ملموس باشد و مثل باد به گونه‌هایش بخورد.





## مقاومت مجرای تحقق پاداش‌های سه‌گانه‌ی الهی

### حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی ندائی - استاد حوزه علمیه قم

جُهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» پاداش این استقامت در امر الهی، هدایت الهی است.

● هرگاه مقاومت جهادی محقق شود «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» پاداش این استقامت در امر الهی، حل مشکلات زندگی است. («ماء غدق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال، کنایه از حل همه‌ی مشکلات زندگی است.)

تهدید، تطمیع، فریب و شرط‌های گمراه‌کننده دشمن برای شکستن مقاومت شرط‌های بشدت گمراه‌کننده و هلاک‌کننده است و اینجا راه حل فقط "فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ" است و این استقامت پاداش‌های مذکور (رحمت، هدایت و حل مشکلات زندگی) را به دنبال دارد.

عملکرد ملت ایران حاکی از تطبیق مقاومت ایشان با مقاومت قرآنی است چنانچه رهبری شهید در وصف آن فرمودند:

"ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره‌ی طیبه - شجره‌ی طیبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران - شجره‌ی طیبه‌ای است که «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است."

مقاومت از دیدگاه قرآن کریم عدم تبعیت از دشمن است پس مقدمه‌ای لازم دارد که آن شناخت دشمن است. دشمن را باید ابتدا شناخت، نقشه‌هایش را فهم کرد تا بتوان از تبعیت آن سرباز زد. قرآن کریم این عدم تبعیت را جهاد کبیر نامیده است. این نسخه فتح و ظفر مسلمانان "لَا تُطِيعِ الْكُفْرِينَ وَ جُهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا" در مکه نازل می‌شود جایی که جنگ نظامی مطرح نبود بلکه کار آنها ایستادگی و مقاومت یعنی عدم تبعیت از دشمن بود؛ پس عدم تبعیت از دشمن یعنی مقاومتی که جهاد است. جهاد برای عدم تبعیت و عدم دنباله‌روی از دشمن است.

قرآن راستین این مقاومت را مکرر به پیامبر صلی الله علیه و آله توصیه دارد که "يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكُفْرِينَ" و سپس بیان می‌دارد "إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا" یعنی آن دانای حکیم مشکلات این مقاومت جهادی، فشارها، شبیخون‌ها، تهدیدها، تحریم‌ها و تطمیع‌های را که برای شکست مقاومت و ادار به تبعیت می‌کنند می‌داند ولی این مقاومت آن قدر مهم است که حضرت حق مراقبت از آن را با "اتَّقِ اللَّهَ"، بیان می‌کند که فقط آنچه مهم است مراقبه‌ی دائمی از امر خدا یعنی مقاومت دائمی داشتن است.

بر اساس آیات قرآن کریم، مقاومت جهادی سه قسم پاداش را بر جامعه نازل می‌کند:

● هرگاه مقاومت جهادی محقق شود بر اساس آیه شریف «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» پاداش این استقامت در امر الهی، نزول رحمت الهی است.

● هرگاه مقاومت جهادی محقق شود «وَالَّذِينَ





## درآمدی کوتاه به چپستی فقه مقاومت

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمود رفیعی - استاد حوزه علمیه قم**

در این معنای جدید، فقه از موضع مسئولان دولتی به معنای عام دولت (یعنی state نه government) و از منظر مردمانی جامعه‌ساز با نگاه تمدنی و افقی فراملی به انسان و بشریت و مسئولیت‌های انسانی (نه فرد و وظیفه‌های فردی) می‌نگرد. تا قبل از انقلاب ۱۳۵۷، فقه بیانگر وظیفه‌ی فردی مسلمانان در مسائل مرتبط با فرد و جامعه بود؛ یعنی فقه بیان می‌کرد که یک فرد مسلمان در یک جامعه‌ی با حکومت طاغوت، چگونه باید وظایف فردی و اجتماعی خویش را ولو در عرصه‌ی جهاد و مقاومت انجام دهد؛ اما بعد از انقلاب ۱۳۵۷ رویکردی نو در فقه و فقاہت ایجاد شد که حاکمیت حکومت اسلامی و افراد این ملت چه تکالیفی نسبت به اقامه‌ی قسط در سطح مردمان کشور (ملت) و دیگر مسلمانان جهان (امت) و بلکه همه‌ی افراد بشر (ناس) دارند. در این رویکرد از فقه، رابطه‌ی معنادار فرد و امت، فرد و بشریت، فرد و حاکمیت، فرد و توحید و نفی طواغیت، چنان درهم تنیده است که عدم اهتمام به امور مسلمین و مظلومین در هر جای عالم مساوی است با خروج از روح اسلام!

بنابراین باید گفت اصطلاح نوپدید «فقه مقاومت» و یا «فقه مقاومتی»، ترکیبی وصفی است که در پی تبیین سطح والاتری از دین‌مداری است، یعنی جانمایی فرد در نظام هستی و تعیین نقش برای تک‌تک افراد بشر در مسیر اعلا‌ی توحید، نفی شرک و اقامه‌ی قسط در سطح جهان برای تحقق «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». امید آن‌که تحقق این عرصه از فقه در عصر ما محقق‌کننده‌ی تمدن نوین اسلامی و زمینه‌ساز طلوع خورشید عالم‌تاب حضرت بقیة‌الله‌الاعظم باشد.

«فقه مقاومت» یا «فقه مقاومتی» اندکی بعد از پیروزی قیام امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) مطرح و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وارد مرحله‌ی بالندگی خود شد. این اصطلاح همانند دیگر اصطلاح‌های نوپدید، دارای ابهام‌های معناشناسی، موضوع‌شناسی و مسئله‌شناسی است که می‌تواند موجب سوءبرداشت، مغالطه‌ی اشتراک لفظی و بحث‌های لفظی نسبتاً بی‌ثمر گردد؛ ازین‌رو ضروری است مراد از آن تبیین گردد.

«فقه مقاومت» یا «فقه مقاومتی» در عربی با عباراتی نظیر «فقه المقاومة»، «الفقه المقاومی»، «فقه الثورة»، «فقه الجهاد» و... معادل‌سازی می‌شود. گرچه این اصطلاح و آن عبارات غالباً به نحو ترکیب‌اضافی استعمال می‌شوند، اما حقیقت آن است که مراد از آن در مقطع بعد از انقلاب ۱۳۵۷، ترکیب‌وصفی در پی رویکردی نو در فقاہت و فقه می‌باشد.

توضیح آنکه از دیرباز در متون فقهی احکام جهاد، مرزبانی، محاربه، اعانه‌ی بر اثم و عدوان، اعانه‌ی ظلمه (حاکمان طاغوتی)، اسیر و... مطرح بوده است که همگی از مصادیق ترکیب‌اضافی یعنی احکام فقهی مقاومت می‌باشد؛ و اگر مراد از اصطلاح نوپدید فقه مقاومت همان احکام فقهی و همان مسائل و نهایتاً مسائل مستحدثه‌ی ذیل همان می‌بود، هرگز نیازی به ساخت اصطلاح جدید نبود؛ بنابراین باید گفت اندیشمندانی که بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران به وضع این اصطلاح روی آورده‌اند، مرادشان چیزی غیر از آن معنای متعارف کهن است، و این معنای جدید ترکیب‌وصفی فقه مقاومت است.



## نقش راهبردی دانش فقه در آستانه تشکیل نظم نوین جهانی

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی افضلی** - استاد حوزه علمیه قم

فطرت است از شجره خبیثه دنیا و طبیعت که أمّ النقایص و أمّ الأمراض است... و کثیری از فروع شرعیات از قبیل صوم و صدقات واجبه و مستحبه و تقوا و ترک فواحش و معاصی به آن رجوع کند.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۷۹)

مطابق این نگاه مشخص می‌شود که برخلاف دیدگاه برخی نحله‌های فقهی موجود در میان عامه و حتی شیعه، برای جهانی شدن احکام فقهی هیچ نیازی به پذیرش مبانی سکولاریسم نیست بلکه التزام به مبانی اصیل فقهت، که امام خمینی از آن به عنوان «فقه جواهری» یاد می‌کنند، در عین موضوع‌شناسی دقیق و زمان‌شناسی جامع و توجه تام و تخصصی به اقتضائات زمان می‌توان به احکام فقهی دست یافت که مورد پذیرش جامعه جهانی بوده؛ در شکل‌دهی به نظامات حقوقی نوین مؤثر باشد.

نقش راهبردی فقه را می‌توان در دو سطح پیگیری کرد:

### سطح اول - فقه شیعی

فقهت شیعی به دلیل پیوند تام با ذوات مقدس معصومین علیهم‌السلام از انحرافات مصون مانده و به فطرت و جبلت انسانی نزدیک‌تر است و می‌تواند در عالی‌ترین سطح ایفای نقش کند.

### سطح دوم - فقه مقارن

فقه عامه علی‌رغم نقدهای جدی روشی و محتوایی در بسیاری احکام با فقه شیعی مشترک است. به‌عنوان نمونه قاعده نفی سبیل که مسلط کردن کفار بر بلاد اسلامی را

دانش فقه با سابقه‌ای هزار و چهار صد ساله دانشی اصیل است که علی‌رغم تلاش فراوان فقها در اعصار مختلف، همچون معدنی ناشناخته مفاهیم کشف‌نشده فراوانی دارد. جهان حاضر به اذعان بسیاری کارشناسان در آستانه تشکیل نظم نوین جهانی است و هر نظم جهانی نیازمند نظام حقوقی نوین و روزآمد است.

از نگاه اسلامی، دانش فقه متکفل تولید محتوای حقوقی است و این نقش در تحولات فعلی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته و توجه به دانش فقه را به ضرورتی راهبردی ارتقا داده است. گفتنی است «فقه اسلامی» به دلیل تطابق گزاره‌های آن با فطرت انسانی قابلیت «جهانی شدن» دارد و با تبیین صحیح می‌توان جامعه جهانی را به پذیرش گزاره‌های حقوقی مبتنی بر این فقه دعوت کرد.

امام خمینی قدس سره الشریف در تبیین فطری بودن فقه و احکام آن می‌نویسند:

«احکام آسمانی و آیات باهرات الهی و دستورات انبیاء عظام و اولیاء کرام، بر طبق نقشه فطرت و طریقه‌ی جبلت بنا نهاده شده و تمام احکام الهی به طریق کلی به دو مقصد منقسم شود که یکی، اصلی و استقلالی و دیگر فرعی و تبعی است»؛

**مقصد اول؛** که اصلی است و استقلالی - توجه دادن فطرت است به کمال مطلق که حق - جلّ و علا - و شئون ذاتیه و صفاتیّه و افعالیّه او است... و بسیاری از فروع احکام از قبیل مهمّات صلاة و حج، به این مقصد مربوط است، یا بی‌واسطه یا باواسطه.

**مقصد دوم؛** که عرضی و تبعی است - تنفر دادن



حرام می‌کند مورد پذیرش شیعه و اهل سنت است و می‌تواند مبدأ بسیاری همکاری‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی باشد. استفاده از ظرفیت فقه مقارن و شناسایی احکام سیاسی مشترک می‌تواند به شکل‌گیری فهم مشترک حقوقی و در نهایت تشکیل سازمان‌های اسلامی منتهی شود و این، مقدمه سازماندهی تمدن نوین اسلامی است.





## نقش بانوان در تجمعات مردمی و فرصت تقویت فرهنگ حجاب

**حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جواد اکبری** - استاد حوزه علمیه قم

نقش مهمی در حمایت از نظام اسلامی و حفظ و ایجاد وحدت ملی دارد که از مهم‌ترین عوامل شکست دشمن در جنگ اخیر، و قوت قلب مسئولین و نیروهای مسلح کشور در پاسخگویی به تجاوز دشمنان ایران اسلامی است.

**ثانیاً؛** حفظ حجاب اسلامی یکی از واجبات فردی و اجتماعی است که از سوی بانوان حاضر در تجمعات باید مورد توجه قرار گیرد، و باید همانگونه که با حضورشان در صحنه موجبات یأس و ناامیدی دشمنان در جنگ سخت را فراهم آورده اند، با رعایت حجاب خود نیز باید جامعه اسلامی را از هجوم فرهنگی دشمن و جنگ نرم آن نیز حفظ نمایند.

**ثالثاً؛** با توجه به اهم بودن حفظ وحدت و انسجام ملی و لزوم حمایت اقشار مختلف مردم از نظام مقدس جمهوری اسلامی در شرایط حساس کنونی، هر نوع برخوردی که منجر به شکست وحدت و انسجام ملی شود مذموم بوده و لذا باید در شکل نهی از منکر بی‌حجابی به گونه‌ای عمل شود که منجر به دلشکستگی، عدم حضور، رنجش خاطر مخاطبان و سوء استفاده دشمن نشود.

نتیجه آن که اگر چه لزوم حفظ حجاب به عنوان واجبی شرعی لازم و ضروری است، اما از هر نوع برخوردی که وحدت و انسجام ملی را مخدوش نماید و منجر به عدم حضور بخشی از بانوان در تجمعات و حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی شود نه تنها باید اجتناب شود، بلکه باید از این حضور در تجمعات برای تقویت فرهنگ حجاب بهره برد و زمینه برای آشنا شدن بیشتر این دسته از بانوان با فرهنگ حجاب را نیز فراهم کرد.

از نخستین ساعات اعلام شهادت رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی اعلی الله مقامه الشریف که تاکنون بیش از دو ماه از آن می‌گذرد خداوند متعال مردم ایران را مبعوث به حضور در میدان‌ها و خیابان‌ها کرد، تجمعاتی صمیمی و حماسی در میادین و خیابان‌ها که وحدت و انسجام ملی ملت فهیم ایران را به رخ جهانیان کشیده است و گونه‌ای بی‌نظیر از حمایت مردمی را در تاریخ به نمایش گذاشته است. قطعاً این حضور و تجمعات مطلوب دشمنان آمریکایی و صهیونی نبوده و نخواهد بود؛ لذا از هر ابزاری جهت برهم زدن این وحدت و انسجام ملی و دلسرد کردن مردم بهره خواهند برد. گاهی با تهدید نظامی، گاهی با فشار معیشتی و اقتصادی و گاهی با جنگ نرم و ایجاد اختلاف و درگیری بین تجمعی‌کنندگان بانوان ایران زمین همانگونه که با حضور پر شور خود در راهپیمایی‌های قبل و بعد از انقلاب با هر شکل و ظاهری نقش مهمی در پیروزی و دوام انقلاب اسلامی داشتند، اکنون نیز دوشادوش مردان در تجمعات مردمی حاضر شده و با اعلام بیعت با رهبر انقلاب آیت الله امام سید مجتبی خامنه‌ای دام‌ظله و با حضور خود مشت محکمی به جبهه استکبار جهانی وارد کرده اند.

در این میان حضور برخی بانوان با ظواهر غیر شرعی منجر به شکل‌گیری نوعی اعتراض از سوی برخی دیگر از شرکت‌کنندگان در تجمعات شده است که لازم است به نکاتی در این باب توجه شود:

**اولاً؛** از آنجا که بانوان بخش جدایی‌ناپذیر از جامعه اسلامی هستند، لذا اصل حضور بانوان در تجمعات باید حفظ شود، زیرا اصل حضور مردم در تجمعات



## تبیین دلیل عقلی مقاومت

### حجت‌الاسلام والمسلمین سعید فلاح - پژوهشگر

و به تبع جوامع دارند. هر انسانی به طبیعت خودش که مراجعه می‌کند، می‌بیند در مقابل تهاجم‌ها و درگیری‌ها، مقاومت و دفاع دارد؛ به عنوان مثال اگر به سوی فردی چیزی پرتاب گردد، به محض التفات به آن به صورت غریزی سعی در دفع آن دارد. در صورتی که یک فرد یا جامعه در مواجهه با چیزهایی که جان‌ها یا اموال یا حقوق آن را به مخاطره می‌اندازد واکنشی مناسبی از خود نشان ندهد، این را می‌توان در نگاه تسامحی در دسته اختلالات رفتاری یا اشتباهات محاسباتی ارزیابی کرد و در نگاهی دقیق می‌توان حول عدم بهره‌وری از عقل و عقلانیت به آن پرداخت.

اگر فرد یا جامعه اصل فطری و عقلی مقاومت را نادیده بگیرد و تن به ظلم دهد، عقل به عنوان یک منبع تشخیص درست از نادرست چنین چیزی را نه تنها روا نمی‌داند بلکه نکوهش و ملامت شدید می‌کند. این چنین رفتاری را حکماء تفریط در استفاده از عقل می‌دانند و آن را سفاهت می‌نامند. عقلاء از هر دین و آیینی که باشند به دلیل بهره‌ای که از عقل دارند بر این مسئله نظر یکسانی دارند که دفع مهاجم و متجاوز واجب و ضروری است. یعنی هر کس بخواهد عاقلانه رفتار کند، هنگام مواجهه با چیزی که به او صدمه و ضرر می‌رساند، دفاع می‌کند و خود را ملزم می‌داند که ضرر را دفع کند و اگر بر این کار توانایی داشته باشد و با این وجود از این کار پرهیز کند، عقلاء او را مذمت می‌کنند. مذمت صاحبان عقل، دلیل بر رفتار نابخردانه و غیرعاقلانه آن فرد یا جامعه خواهد بود.

نکته پیش‌گفته حاکی از این امر است که مقاومت به عنوان یکی از اصول اصیل جامعه

آنچه انسان و بشر را از حیوانات و نباتات متمایز می‌کند قوه عاقله اوست. بشر همواره برای تدبیر صحیح زندگی خود نیازمند به کارگیری عقل است و عقل هم در مسائل مختلف زندگی راهنما و الهام بخش اوست. یکی از مسائلی که انسان‌ها و جوامع همیشه با آن مواجه بوده نوع تعامل آنها با دیگران است. برخی از انسان‌ها و جوامع در تعاملات خود با دیگران به حق خود پایبند نبوده و از این حد فراتر می‌روند. سوال پیش می‌آید که در مواجهه با چیزهایی که به حقوق مسلم یک شخص یا جامعه‌ای تعرض می‌کند و شخص یا آن جامعه مورد ظلم واقع می‌شود، نظر و راهکار عقل چیست؟ آیا عقل در اینجا ساکت است و نظری ندارد یا اینکه پذیرش ظلم را برمی‌گزیند یا جواب دیگری دارد؟

اندیشمندان درباره احکام و آراء عقل تحقیق‌های بسیار ارزنده‌ای انجام داده‌اند. یکی از احکام عقلی که بین ایشان به صورت اجماعی مذموم و قبیح شمرده شده است، بحث ظلم است. چه شخصی به دیگران ظلم کند و چه شخصی که ظلم پذیر باشد، از نگاه عقل چنین رفتارهایی مردود است. عقل به صورت پویا و فعال و بدون تعلل در جایی که ظلمی در حال وقوع باشد، مقاومت و دفاع را ضروری می‌داند و به هیچ نحو با پذیرش ظلم و اعمال ظلم به دیگران موافقت ندارد.

بنابراین آنچه به صورت واضح و یقینی در واکنش به تعدی و تعرض به حقوق یک شخص یا جامعه، عقل به آن حکم می‌کند، مسئله مقاومت در برابر تعرض‌ها و تجاوزها است. در حقیقت مقاومت واکنش طبیعی و فطری و مطابق عقل است که همه انسان‌ها



اسلامی ایران و فارغ از ابعاد و مبانی اسلامی، مبتنی بر عمیق‌ترین بینش و اصیل‌ترین گرایش‌های بشری است و بر این اساس مرزهای جغرافیایی و مرزهای ایدئولوژیک مانعی برای پذیرش این اصل نیست و می‌توان جبهه مقاومتی فراگیر را در سراسر عالم تشکیل داد.





## بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و هشت ساحت جهاد بزرگ

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی کشاورز - پژوهشگر

### هشت ساحت «جهاد بزرگ» در بیانیه گام دوم

امام خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامه الشریف در بیانیه گام دوم در چند سرفصل اساسی توصیه‌های مهمی دارند که به نظر می‌رسد تلاش برای تحقق هر کدام عرصه‌ای از جهاد است. عبارت‌های ایشان را، برگرفته از بیانیه گام دوم» ذیل هرکدام از عناوین مربوط ذکر خواهیم کرد:

#### ساحت اول؛ جهاد امیدبخشی

«شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

#### ساحت دوم؛ جهاد علمی - پژوهشی

«... مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید... به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.»

#### ساحت سوم؛ جهاد معنویت و اخلاق

«شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است.»

#### ساحت چهارم؛ جهاد اقتصادی

«امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است»

امام خامنه‌ای شهید در بیانیه گام دوم که همگام با آغاز فصل جدیدی از حیات جمهوری اسلامی است مخاطب سخن خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند»

بررسی بیانیه گام دوم حاکی از آن است که امام شهید ایران اسلامی را در معرض نبردی همه‌جانبه می‌دید و سنگربندی جامع در برابر این نبرد را وظیفه‌ای عمومی و نخبگانی می‌دانست.

در این جستار به دنبال آنیم که ساحت‌های هشت‌گانه آن جهاد بزرگ را با بازخوانی کلمات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بیابیم. این ساحت‌بندی تبیینی به هریک از ایرانیان علاقه‌مند به سرنوشت کشور یاری خواهد رساند که با شناخت دقیق از توانمندی‌های خود نقش و جایگاه خود را در جهاد بزرگ فعلی بیابد و به تکلیف دینی و ملی خود عمل نماید.

#### تعریف جهاد

امام خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامه الشریف در معنای جهاد می‌فرماید: «جهاد عبارت است از آن تلاشی که ناظر به حمله‌ی دشمن و تحرک دشمن باشد».

از آنجا که برای ساختن ایران اسلامی بزرگ همواره با خصومت و خباثت‌ورزی دشمنانی روبرو هستیم که به دنبال بلعیدن ایرانند، می‌توان گفت «جهاد بزرگ» در یک نگاه عام تمام عرصه‌های ساختن ایران اسلامی بزرگ است.



## ساحت هفتم؛ جهاد سیاسی در عرصه بین‌الملل

«سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند»

## ساحت هشتم؛ جهاد در سبک زندگی

«...تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.»

## ساحت پنجم؛ جهاد فسادستیزی و عدالت‌خواهی

«...دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است.»

## ساحت ششم؛ جهاد استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی

«استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است.»





## مبانی رابطه «جمهوری اسلامی» و «جبهه مقاومت» در اولین پیام امام سید مجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی

### حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌علیه‌السلام علامه کیان - پژوهشگر

ثقلین است بر حمایت و دفاع از مظلوم استوار است چنانچه

در اصل یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی می‌خوانیم:

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنا بر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

خداوند متعال می‌فرماید: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ. (نساء/ ۷۵)  
(شما را چه شده که در راه خدا و در راه زنان و مردان و کودکان ستم‌دیده و مستضعف جهاد نمی‌کنید.) و حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود امتی که حق ضعیفان را از زورمندان باصراحت و بدون خوف و ترس نگیرد، هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت را نمی‌بیند. (نهج البلاغه/ نامه ۵۳)

### دوم: سیره امامین انقلاب اسلامی

سیره امامین انقلاب همراه بر دفاع از مظلومان دنیا بوده است امام خامنه‌ای شهید در توصیف سیره امام خمینی فرمودند: «امام (ره) بعد از آنکه توفیق این را پیدا کرد که بر موانع غلبه پیدا کند و نظام جمهوری اسلامی را تشکیل بدهد، اعلام کرد که ما نه ظلم می‌کنیم، نه زیر باز ظلم می‌رویم؛ ظلم نمی‌کنیم اما زیر

اهمیت جبهه مقاومت در سیاست‌های کلان جمهور اسلامی برکسی پوشیده نیست تا جایی که یکی از شروط ترک خصمه در جنگ رمضان؛ آتش بس در تمامی جبهه‌های نبرد در برابر دشمن امریکایی- صهیونی بود. کارنامه جمهوری اسلامی در این زمینه در جنگ اخیر به اوج رسید چنانچه سردار قآنی در بحبوحه جنگ تحمیلی سوم نوشت: «آرزوی فرماندهان شهید مقاومت محقق شده اتاق جنگ جبهه مقاومت یکی است به نظم جدید منطقه عادت کنید.»

با نگاه به پیام‌های صادره از آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای این نگاه بیش از پیش عیان می‌شود. ایشان در اولین پیام پس از آغاز زعامت که نگاه همه مردم ایران، منطقه و جهان به این پیام دوخته شده بود به جدا نبودن جبهه مقاومت از ارزش‌های انقلاب اشاره کردند و فرمودند:

«ما، کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود می‌دانیم و امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های انقلاب اسلامی است. بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر می‌نماید.»  
این نگاه که در پیام اول امام خامنه‌ای متبلور شده است، دارای مبانی روشن و منطقی است که به برخی از آنها می‌توان اشاره کرد:

### اول: قانون اساسی جمهوری اسلامی

مبانی دینی جمهوری اسلامی که برگرفته از



بار ظلم هم نمیرویم؛ با ظالم کنار نمی‌آییم و از مظلوم حمایت می‌کنیم؛ این حرف امام بود. این حرف از متن دین گرفته شده است، متن قرآن است»

### سوم: تجربه تاریخی

با نگاه به تاریخ پرفراز و نشیب ایران در چهل و هفت سال گذشته این گزاره قطعی است که جبهه مقاومت تنها گروهی بود که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سختی‌های مختلف به یاری ایران شتافت و صداقت و حسن نیت و حسن عمل خود را به اثبات رساند در نتیجه عاقلانه‌ترین راه برای تأمین منافع بین‌المللی کشور تقویت جبهه مقاومت و قوی‌ترین کردن پیوند روابط با آنهاست.





## اقسام رابطه «جمهوری اسلامی» و «جبهه مقاومت» در اولین پیام امام سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی

### حجت‌الاسلام والمسلمین رضالک‌علی‌آبادی - استاد حوزه علمیه قم

تقویت و تجهیز آن، همکاری کامل، مدیریت و گسترش آن نه تنها راهبردی برای اهداف انقلاب بلکه عین تحقق اهداف انقلاب است. چه اینکه رهبر شهید فرمودند: «این جبهه‌ی مقاومتی که امروز بحمدالله در دنیای اسلام تشکیل شده، مورد حمایت ما است، از آن حمایت میکنیم، تا آن مقداری که میتوانیم؛ هر چه قدرت داریم، از اینها حمایت خواهیم کرد، باز هم میکنیم، قبل از این هم کرده‌ایم. (بیانات ۲۲ مهر ۱۴۰۱)»

همچنین این ارتباط قلبی را در دعای پایانی رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت عید نوروز (۲۹ اسفند ۱۴۰۴) می‌توان ملاحظه کرد که می‌فرمایند: «امیدوارم با دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه و عنایت حضرت باریتعالی سالی خوب و پراز پیروزی و انواع گشایش‌های مادی و معنوی برای ملت ما و همه همسایگان و ملل مسلمان و بخصوص عناصر جبهه مقاومت...»

### رابطه با کشورهای جبهه مقاومت

«ما، کشورهای جبهه‌ی مقاومت را بهترین دوستان خود می‌دانیم.» تعامل با کشورهای جبهه مقاومت به عنوان دوست مسأله‌ای فراتر از ارتباط بین گروه‌های محور مقاومت است. در برخی از کشورها مانند یمن و ایران، قدرت سیاسی به دست نیروهای مقاومت است و در برخی کشورها مانند لبنان، حزب الله اگرچه در جایگاه‌های رسمی سیاسی مانند مجلس حضور دارد ولی اختلافات آشکار فکری با حاکمیت فعلی دارد.

رابطه جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت به لحاظ ماهیت دینی و منظومه فکری رهبران جمهوری اسلامی، ارتباط عمیقی است که ریشه در مبانی اصلی نظام سیاسی اسلام دارد. گروه‌های مقاومت اسلامی در طول تاریخ با تکیه بر معارف قرآنی و فرهنگ جهاد ایجاد شده‌اند که از خود و دیگر مسلمانان دفاع کنند. جمهوری اسلامی در طول حیات خود گروه‌های مقاومت را تقویت کرد و توانست با ایجاد پیوند میان این گروه‌های مقاومت، احیاگر «جبهه مقاومت» در مقابل دشمنان باشد که رهبر شهید به نقش شهید سلیمانی در این باره تأکید داشتند. (بیانات در دیدار ۱۰ دی ۱۴۰۲)

مقام معظم رهبری در اولین پیام خود (۲۱ اسفند ۱۴۰۴) بعد از تشکر از رزمندگان جبهه مقاومت در حمایت از ایران، مطالبی را مرقوم فرمودند که نگرش ایشان به چگونگی ارتباط با جبهه مقاومت را به خوبی نشان می‌دهد که توضیح بخش‌هایی از آن پیام مرور می‌شود.

### رابطه اعتقادی با جبهه مقاومت

«امر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزشهای انقلاب اسلامی است.» ارزشهای انقلاب اسلامی ریشه در باور قلبی به معارف اسلام دارد. و ایشان با تأکید بر اعتقادی بودن نسبت جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت، آن را از اصیل‌ترین ارزشهای انقلاب و جزء جداناپذیر یعنی بخشی از ماهیت انقلاب اسلامی دانسته‌اند.

در چنین نگرشی دفاع از جبهه مقاومت،



بهترین دوست نامیدن کشورهای جبهه مقاومت به معنای اعلام آمادگی کامل برای ارتباط در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی با آنان است.

### رابطه با اجزای جبهه مقاومت

«بی‌تردید همراهی اجزای این جبهه با یکدیگر، مسیر تخلص از فتنه‌ی صهیونی را کوتاه‌تر می‌نماید.» از آنجا که تفکر و بینش گروه‌های جبهه مقاومت واحد است؛ این مجموعه در اهداف، عقائد و ارزشها، اولویت‌بندی مسائل جهان اسلام، شناخت دشمن و... هم‌نظر هستند. هم‌افزایی و همکاری گروه‌های مقاومت موجب کاهش نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت است. آنچنان که توانمندی ایران در مدیریت تنگه هرمز، باعث تحمیل آتش بس به اسرائیل در حمله به لبنان است مانند اعمال قدرت یمن در باب المندب که موجب محدودیت دشمن آمریکایی در فشار بر ایران است.





کشور ما و اسلام عزیز در یک مرحله بسیار سخت و حساس قرار گرفته است. دشمنان دیرین وطن بعد از دهه‌ها کار شکنی و خدعه « علیه انقلاب اسلامی و مردم عزیز، اینک چنگال‌های پست و حقیرانه خود را عیان کرده‌اند در حالی که داغ امام شهیدمان آیت الله العظمی خامنه‌ای و داغ دختران دبستان میناب و داغ عزیزان هموطن ما در جای جای کشور بر قلب‌های ما سنگینی می‌کند. کشور عزیز ما اینک در یک جنگ همه‌جانبه قرار گرفته است. و جنگ امروز مهمترین مساله نخبگانی ما است. کلان مساله جنگ، خود صدها مساله دیگر را تولید می‌کند. مسائلی که در سطح حکمرانی، فردی، اجتماعی، رسانه‌ای مطرح می‌شود.

بسیج اساتید دانشگاه علامه طباطبائی در راستای ایفای وظیفه خود در جهاد تبیین نخبگانی، بدنبال پرکردن خلا تئوریک و تخصصی مباحث مربوط به جنگ است. این نهاد با کمک گرفتن از اساتید علوم انسانی و اجتماعی دریچه نوینی از مباحث نظری راجع کلان مساله جنگ را بازنشر می‌دهد، به امید آنکه بتوان از تجربیات و نظرهای اساتید در حل مسائل مهم کشور در این شرایط سخت و حساس کمک گرفت.

در ایتا:

@phd9898

در بله:

@ABFatehi

استادان دانشگاه و حوزه که تمایل به انتشار مطالب گران قدر خود دارند، در پیام‌رسان‌های داخلی به آدرس ذکر شده ارسال بفرمایند: